

جنتلمنی به نام جنابخان

واقعا می‌شود گفت آنچه برای جنابخان در خندوانه اتفاق می‌افتد در لحظه اتفاق می‌افتد. البته ممکن است ما یک خط کلی داشته باشیم؛ مثلا می‌گوییم که امروز جنابخان دماغش را عمل کرده است.



همشهری آنلایین: واقعا می‌شود گفت آنچه برای جنابخان در خندوانه اتفاق می‌افتد در لحظه اتفاق می‌افتد. البته ممکن است ما یک خط کلی داشته باشیم؛ مثلا می‌گوییم که امروز جنابخان دماغش را عمل کرده است.

وقتی رو به رویش بنشینید خیلی جدی‌تر از آن چیزی به نظر می‌رسد که تصور می‌کردید.

صداپیشه عروسک‌های محبوب و پرتطرفداری مثل بیعی و آقوی همساده این‌بار با عروسک بنفش رنگی مهمانمان شد که این روزها برای خودش اسم و رسمی به هم زده و با آوازهای شبانه‌اش دل ملتی را شاد می‌کند.

بله، جنابخان همراه محمد بحرانی و دو گرداننده‌اش، حامد ذبیحی و مهدی برقی، به تحریریه همشهری جوان آمد و جادوی شیرینش را هم با خود آورد.

باور کنید جنابخان حق دارد پیش رامبد پز شهرت و محبوبیتش را بدهد، چون از وقتی خبر ورودش به تحریریه همشهری جوان در ساختمان موسسه پخش شد.

کلی آدم کارشان را ول کردند تا برای ملاقات با سلبریتی این شب‌های برنامه خندوانه، خودشان را به جنابخان برسانند، بعضی‌ها عکس دونفره گرفتند و بعضی‌ها هم به سرک کشیدن و از دور تماشا کردن جنابخان رضایت دادند.

گپ ما را با بحرانی بخوانید تا از جادوی جنابخان بیشتر بدانید.

چه اتفاقی افتاد که جنابخان وارد دنیای آدم‌ها شد؟

ماجرای جنابخان از «کوچه مروارید» شروع شد؛ یک سریال زنده عروسکی که برای شبکه نمایش خانگی تهیه و تولید شده. سعید سالارزهی هم تهیه‌کنندگی کل کار و کارگردانی سری اول را به عهده داشته.

جنابخان و رامبد جوان که در این سریال اسمش «آقای محترم» است، با هم بازی دارند. به همین دلیل هم جنابخان به خندوانه دعوت شد و این شد که می‌بینید.

ایده لحن جنابخان و لهجه آبادانی که برایش انتخاب شده از کجا شکل گرفت؟ اصلا چطور به این نتیجه رسیدید که این مدل حرف زدن به سروشکل جنابخان بیشتر می‌آید؟

در شروع کوچه مروارید یک اتاق فکر تشکیل شد و من هم یکی دو جلسه در آن حضور پیدا کردم. آنجا چند نفری به این نتیجه رسیدیم که جنابخان می‌تواند یک کاراکتر جنوبی باشد، چون جنوبی‌ها آدم‌های باحالی هستند و اتفاقاتی که کنارشان می‌افتد، خوش‌ریتم و جذاب است.

مدت زیادی از آن جلسات گذشت تا اینکه محمد نادری که در سریال «شمعدونی» هم بازی کرده (بازیگر نقش هوشنگ مظاهری)، سری دوم کوچه مروارید را کارگردانی کرد.

نوشتن عمده متن‌های سری اول و دوم هم به عهده خودش بود، اما در نتیجه همان اتاق فکر بود که در نهایت به یک شخصیت جنوبی لب‌فروش به نام جنابخان رسیدند. هدیه هاشمی هم طراحی عروسک را به عهده داشته که حسابی از او ممنونیم.

بین جنوبی بودن و لبو فروش بودنش ارتباطی هست یا دلیل دیگری داشت که این شغل را برایش انتخاب کردید؟

نه، قرابت خاصی با هم ندارند. شاید اگر می‌خواستیم سراغ اولین پیشنهاد برویم یا سمبوسه‌فروش بود یا فلافل فروش، اما نمی‌خواستیم سراغ تصاویر تکراری از جنوب برویم.

تکیه کلام‌ها و دیالوگ‌های جناب‌خان چقدر حاصل متن است و چقدر نتیجه بداهه‌پردازی و خلاقیت فردی خودتان؟

طبیعتاً کوچه مروارید یک متن از پیش نوشته داشت و قصه‌ها براساس متن پیش می‌رود. اما در خندوانه این شکلی نیست و محصول بداهه‌پردازی و ایده‌هایی کلی است که هر کدام از ما قبل از برنامه با خودمان سر برنامه می‌بریم.

خود من از بچگی در شیراز و با جنوبی‌ها بزرگ شدم و خانه‌مان در محله‌ای بود که خیلی از کسانی به خاطر جنگ از خوزستان و کلا جنوب مجبور به مهاجرت شده بودند در آنجا زندگی می‌کردند.

همه دوستان من در آن دوران، اکثراً خوزستانی و تک و توکی هم بوشهری یا از سایر شهرهای جنوب بودند. من اصولاً با فرهنگ آنها بزرگ شدم، یعنی به نظر خودم همان قدر که شیرازی هستم همان قدر هم جنوبی هستم.

در نتیجه بخشی از چیزهایی که الان می‌بینید از گذشته من به این کاراکتر اضافه شده.

خیلی جالب است چون دقیقاً می‌خواستیم بیرسم چه اتفاقی می‌افتد که گاهی لحن کاراکتر آقای همساده در جناب‌خان تا این حد پررنگ می‌شود و خودش را نشان می‌دهد و دیگر اینکه این کاراکترها چه خاصیت و جادویی دارند که لهجه‌شان باعث عصبانیت هیچ کس نشده و کسی تا امروز احساس نکرده مورد تمسخر قرار گرفته؟

اولاً خیلی خوشحالیم که هیچ اعتراضی نشده. من هم اگر در مقام مخاطب بودم اعتراضی نمی‌کردم، برای اینکه در هیچ کدام از کاراکترهایی که ما کار کرده‌ایم، هرگز بنا بر تمسخر نبوده.

بالاخره کاراکتر کم‌دی است و می‌تواند اهل هر جایی باشد، تهرانی، شیرازی یا اصفهانی و ... مهم این است که کار کم‌دی است.

حداقل من در کارهایی که انجام داده‌ام، سعی کرده‌ام به لهجه وفادار بمانم؛ یعنی ادای لهجه یا ادای اصطلاحات را در نمی‌آورم و همان چیزی را که هست ارائه می‌دهم و هیچ‌کدام هم کاراکترهایی منفی نیستند.

آقای همساده ممکن است خیلی بلا سرش بیاید، ولی هرگز تا حالا سر کسی بلا نیآورده. اگر کل خاطرات آقای همساده را مرور کنید، هیچ نکته منفی‌ای در پرونده‌اش نمی‌بینید؛ یعنی آزارش حتی به مورچه هم نرسیده است.

چرا از بین عروسک‌ها یا به اصطلاح مایه‌های کوچه مروارید، این جناب‌خان بود که برای ورود به «خندوانه» انتخاب شد؟

به نظرم خندوانه بیشتر برنامه بزرگسالان است. درست است که طیف سنی ندارد و بچه‌ها هم می‌بینند و با بعضی بخش‌هایش ارتباط برقرار می‌کنند، ولی عروسک بزرگسال در آن مجموعه، جناب‌خان بود.

هرچند، تعدادی عروسک بزرگسال دیگر هم وجود داشت، ولی نقش‌شان کم بود. البته شاید رامبد بهتر بتواند به این سوال جواب بدهد. همان‌جا در پشت صحنه کوچه مروارید، شوخی‌هایی درآمد که الان جلو صحنه خندوانه استفاده می‌شود؛ مثلاً شوخی با اسم رامبد و اینکه چقدر این اسم برای جناب‌خان عجیب است.

درواقع، تصمیم از پیش تعیین‌شده‌ای نبود. مجموعه این شوخی‌ها باعث شد گروه و خود رامبد به این نتیجه برسند که این عروسک در خندوانه جواب می‌دهد.

دلایل فرعی هم برای ورود جناب‌خان به خندوانه وجود داشت؟ مثلاً اینکه با مطرح‌تر شدن این عروسک، به فروش کوچه مروارید در شبکه نمایش خانگی کمک شود.

نه، این حرکت برنامه‌ریزی شده نبود. به نظرم رامبد به قدری روی برنامه‌اش حساس هست که نخواهد به خاطر چنین چیزی، عروسکی را وارد خندوانه کند، ولی اگر به فروش کوچه مروارید هم کمک کند، اتفاق خوبی است.

واقعا خودمان هم از اول نمی‌دانستیم حضور جناب‌خان در خندوانه چه سرنوشتی خواهد داشت.

بچه‌ها (ذبیحی و برقعی) اینجا شاهد هستند که اول گفتیم با یک روز و یک برنامه شروع کنیم تا ببینیم اصولا عروسک در برنامه‌ای که اصلا برای عروسکی بودن طراحی نشده، جواب می‌دهد یا نه. ممکن بود جناب‌خان بیاید و خیلی زود هم مجبور شود از برنامه برود.

تا الان هم سابقه نداشته عروسکی در یک برنامه شبانه این فرمی حضور داشته باشد و تازه جناب‌خان مورد استقبال قرار گرفته و محبوب هم شده.

نه من هم یاد نمی‌آید یک عروسک کارش را با یک برنامه بزرگسال در تلویزیون شروع کرده باشد.

بده بستن‌هایی که بین جناب‌خان و سروش صحت در خندوانه وجود دارد، چقدر حاصل بداهه‌پردازی و واکنش هر دو طرف در لحظه است؟ خصوصا اینکه هر دو در کوچه مروارید با هم بازی داشته‌اند.

الان استندآپ کم‌دین‌هایی که به خندوانه می‌آیند، داستانشان را هم با خودشان می‌آورند؛ یعنی کسی پیش زمینه‌ای مشخص نمی‌کند و متنی برایشان نمی‌نویسد.

به جناب‌خان هم از ابتدا این‌جوری نگاه شد، یعنی استندآپ کم‌دینی که خودش از بیرون می‌آید و خودش هم قرار است یک کارهایی بکند. به جز اینکه استندآپ کم‌دین است، خب گاهی وقت‌ها بین تماشاگران هم می‌نشیند، ولی ما متنی نداریم.

گاهی که لازم باشد ما یک چیزهایی را با رامبد هماهنگ می‌کنیم. گاهی هم که دوست داریم رامبد واکنش آنی از خودش نشان بدهد، هماهنگ نمی‌کنیم. درواقع به او می‌گوییم رامبد یک چیزهایی هست که می‌خواهم توی صحنه با آنها روبه‌رو بشوی.

این اتفاقات غیرمنتظره‌ای که می‌گویید دقیقا چیست؟ مثلا حرف زدن با مهمانان برنامه یا اظهارنظر کردن وسط حرف‌هایشان؟

طبیعتا معلوم نیست مهمانان چه خواهند گفت و ما نمی‌دانیم جریان چیست. واقعا می‌شود گفت آنچه برای جناب‌خان در خندوانه اتفاق می‌افتد در لحظه اتفاق می‌افتد. البته ممکن است ما یک خط کلی داشته باشیم؛ مثلا می‌گوییم که امروز جناب‌خان دماغش را عمل کرده است.

احتمالا جنس و تیپ شخصیتی مهمانان برنامه هم تاثیر خودش را دارد.

طبیعی است. اتفاقا شاید گاهی با مهمانانی که این‌قدر جدی هستند که ممکن است فضای برنامه را خیلی جدی کنند، حضور جناب‌خان بتواند کمک کند.

معمولا به این فکر می‌کنیم که در گفت‌وگو با این یا آن مهمان، درست است جناب‌خان حضور داشته باشد یا نه. در هر حالتی، جناب‌خان همیشه احترام مهمان را نگه می‌دارد، همیشه به عنوان یک انسان برجسته به مهمان نگاه می‌کند و سوال‌ها حاکمی از هیچ‌گونه بی‌احترامی نیست از یک مرحله به بعد حتی حواسمان به نوع شوخی‌ها هست.

رامبد جوان تا چه حد در مدیریت اتفاقاتی که جناب‌خان به آنها سمت و سو می‌دهد، نقش دارد؟

اولا که رامبد واقعا آدم باهوش و باحالی است و حسابی هم کارش را بلد است؛ یعنی یک فضای امن و دوست‌داشتنی را در پشت صحنه برنامه خندوانه برای ما ایجاد کرده.

خیلی راحت هستیم؛ فضا آرام و خوب است و در مورد ایده‌هایی که مطرح کرده‌ایم، هیچ‌وقت توی ذوقمان نخورده. حتی اگر موافق یک ایده‌ای نباشد، این‌قدر باحال نه می‌گوید که ما راحت قبول می‌کنیم از آن استفاده نکنیم.

خدا را شکر به ما اعتماد کرده و همان‌طور که گفتید چون برنامه زنده نیست، اگر هم اشکالاتی در اجرا وجود داشته باشد در تدوین درست می‌شود.

تا حالا پیش آمده خودتان از حرفی که جناب‌خان زده به خنده بیفتید؟

راستش زیاد سر ضبط خنده‌ام نمی‌گیرد، چون همزمان مجبورم روی چند چیز متمرکز باشم.

از طرفی دو تا ساز هست که خودم می‌زنم، بعد یک میکروفون روبه‌رویم هست که باید حواسم به آن هم باشد و باید عروسک را هم روی مونیتور ببینم، از طرف دیگر باید واکنش تماشاگران را جدا از قاب مونیتور ببینم و باید فکر کنم قصه چیست.

گاهی باید به حرکت‌های در لحظه بچه‌ها (ذبیحی و برقعی) هم یک صدایی اضافه بشود.

واقعا سخت است که بخواهید همزمان روی این همه موضوع متمرکز باشید.

البته امیر سلطان احمدی در واقع مشاور فکری جناب‌خان در برنامه خندوانه است و جزء بچه‌های اتاق فکر و نویسندگان کوچه مروارید هم بوده.

در خندوانه هم خیلی مواقع کنار من نشسته و یک‌دفعه یک چیزی توی گوشم گفته که این را بگو یا آن را بگو ... جدا از این، خیلی وقت‌ها، اگر از روز قبل چیزی به ذهنم برسد، حتما با امیر مشورت می‌کنم.

کاراکترهای عروسکی محبوبی که تا امروز صدایی‌شان را به عهده داشته‌اید اگر در تیم کسانی مثل ایرج طهماسب، حمید جبلی، مرضیه برومند یا رامبد جوان نبودند، به نظرتان باز هم همین قدر امکان دیده شدن داشتند و به قولی گل می‌کردند؟

به نظرم در مجموعه‌ای مثل «کلاه قرمزی» سابقه‌ای که پشت ساخت برنامه هست و حرفه‌ای بودن کسانی که در صدر این کار قرار دارند مثل آقایان طهماسب و جبلی و خانم محبوب، قطعا خیلی تاثیرگذار است.

هر عروسکی که به این مجموعه اضافه می‌شود در واقع یک شانس تازه است، ضمن اینکه یخ تماشاگر قبلا با این مجموعه آب شده و همه منتظر هستند اتفاق خوبی شکل بگیرد.

این موضوع در مورد کار با رامبد جوان و خندوانه هم به همین شکل است. اینکه مردم مجموعه‌ای را دوست داشته باشند، قطعا به عروسک‌های تازه‌وارد کمک می‌کند.

آیداتدین/منبع:همشهري جوان